



چشم اندازی به آموزش معماری در گام دوم انقلاب اسلامی؛ ضرورت تحول در «برنامه و سرفصل رشته معماری» مبتنی بر «حکمت اسلامی» و متناسب با «بوم ایرانی»

سلمان نقره کار^۱

چکیده

انقلاب اسلامی در تداوم راه انبیاء الهی با آرمان «حیات طیبه» جامعه توسط امام و امت شکل گرفت. مراحل تکوین این انقلاب به سوی «تمدن نوین اسلامی- ایرانی» در نظر رهبری حکیم، شامل پنج مرحله «انقلاب، نظام، دولت، جامعه و امت» اسلامی می‌باشد. اکنون در آستانه گام دوم انقلاب در مرحله «دولت اسلامی» هستیم که باید ارکان نظام در عمل و بر اساس یک «الگوی اسلامی- ایرانی» پیشرفت، ساماندهی بشوند. وزارت عتف بعنوان یکی از ارکان حاکمیت که متولی امر «آموزش، پژوهش و فناوری» در کشور است، باید در همین راستا جهت‌گیری کند. هدف از این تحقیق، جستجوی سرنخ‌هایی برای آغاز این تحول در «رشته معماری» است. پرسش تحقیق آن است که «آنچه یک مهندس معمار در تراز انقلاب اسلامی باید درباره معماری بداند و بتواند، چیست؟». محدوده تخصصی تحقیق، «برنامه و سرفصل دروس رشته معماری» در مقطع کارشناسی، بعنوان سند مبنای وزارت «عتف» در دانشکده‌های معماری است. طی یک بازاندیشی در تعریف «معماری و معمار»، می‌توان یک بازتعریف از «آموزش معماری و تربیت معماران» داشت و برای دانشکده‌های معماری در تراز جمهوری اسلامی، طرحی نو درانداخت، بگونه‌ای که در راستای الگوی پیشرفت «اسلامی- ایرانی» کشور باشد. همچنین برای تبیین بهتر تمایز این نگاه با نگرش کنونی، نقادی بر برنامه مصوب این رشته با روش تحلیل محتوا با بهره‌گیری از مدل‌سازی «ستون فقرات ماهی» انجام شده است. نتایج تحقیق بیانگر آن است که برنامه و سرفصل دروس رشته معماری باید ابتدا به دو بخش «اسلامی و ایرانی» دسته‌بندی شود و در هر بخشی چهار رُکن «ساماندهی، مکان، انسان و محیط» مبتنی بر «حکمت اسلامی و متناسب با بوم ایرانی» بازتعریف و آموزش داده شود. بدیهی است که لازمه کارآمدی و اثربخشی این تحول در برنامه، تربیت اساتیدی است که بعنوان افسران این جهاد، مربی معماران شایسته برای شکل‌گیری معماری شایسته باشند، که از «کوزه همان برون تراود که در اوست».

کلیدواژه‌ها: تعریف معماری، حکمت اسلامی، برنامه و سرفصل دروس رشته معماری، آموزش معماری، تربیت معماران، گام دوم انقلاب

۱. استادیار، گروه معماری، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه تربیت دبیر شهیدرجایی (ره)، تهران، ایران

مقدمه

انقلاب اسلامی در تداوم راه انبیاء الهی با آرمان «حیات طیبه» جامعه توسط امام و امت شکل گرفت. مراحل تکوین این انقلاب به سوی «تمدن نوین اسلامی-ایرانی» در نظر رهبری حکیم، شامل پنج مرحله «انقلاب، نظام، دولت، جامعه و امت» اسلامی می باشد. اکنون در آستانه گام دوم انقلاب در مرحله «دولت اسلامی» هستیم که باید ارکان نظام در عمل و بر اساس یک «الگوی اسلامی-ایرانی» پیشرفت، ساماندهی بشوند. وزارت عتف بعنوان یکی از ارکان حاکمیت که متولی امر «آموزش، پژوهش و فناوری» در کشور است، باید در همین راستا جهت گیری داشته باشد. انقلاب فرهنگی^۱ که در اوایل انقلاب (گام اول انقلاب) رخ داد به همین منظور بود. اما اکنون چهل سال تجربه خروجی های دانشگاه ها در حوزه معماری و شهرسازی، تناسب چندانی با آرمان های انقلابمان ندارد و یک تحول اساسی و عمیق، در سطح «گام دوم» و با ره توشه چهل سال گذشته در دانشکده های معماری، ضروری به نظر می رسد. هدف از این تحقیق، جستجوی سرنخ هایی برای آغاز این تحول است. پرسش تحقیق آن است که «آنچه یک مهندس معمار در تراز انقلاب اسلامی باید درباره معماری بداند و بتواند، چیست؟». دو پیش فرض تحقیق آن است که اولاً مأموریت و رسالت دانشکده های معماری، تربیت معمارانی است که آثار شایسته معماری طراحی کنند و بسازند. ثانیاً یک دانشکده اگر بخواهد کارآمد و اثربخش باشد باید بصورت یک سامانه (سیستم) عمل کند. یعنی تمامی اجزای آن هماهنگ با یکدیگر به سمت هدف، سامان یابند. در این تحقیق تلاش شده که با ارائه تعریفی از «معماری» سرنخهایی برای محتوای دروس برنامه درسی معماری پیشنهاد گردد.

روش تحقیق

برای نیل به پاسخ مسیری در سه گام طی می شود. در گام اول، مبانی و پیشفرض های تحقیق روشن می شود. روش تحقیق در این مرحله، ارجاع به اسناد فرادستی و بخصوص بیانات امامین

۱. صدور پیام نوروزی امام خمینی(ره) در اول فروردین ۱۳۵۹ را باید نقطه عطفی در تاریخ انقلاب فرهنگی دانست ایشان در بند یازده این پیام بر ضرورت ایجاد «انقلاب اساسی در دانشگاه های سراسر کشور»، «تصفیه اساتید مرتبط با شرق و غرب» و «تبدیل دانشگاه به محیطی سالم برای تدوین علوم عالی اسلامی» تأکید کردند. (پرسیمان، ۱۳۹۱) - از سال ۱۳۵۹ تا ۱۳۶۲

انقلاب و همچنین آیت‌ا... جوادی آملی است. در گام دوم تحقیق به ترسیم وضع مطلوب می‌پردازیم؛ یعنی برنامه و سرفصل رشته معماری در شرایط آرمانی پیشنهاد می‌شود. روش تحقیق در این بخش، مطالعات کتابخانه‌ای و تحلیل محتوای و البته ارجاع به تحقیقات پشتیبان نگارنده که در مقالات قبلی چاپ شده و قابل استناد می‌باشد. درواقع این مقاله، بر مبنای مقاله قبلی نگارنده^۱ نوشته شده است. در مرحله سوم، به تحلیل وضع موجود و نقد برنامه و سرفصل رشته کنونی معماری (مصوب ۱۳۹۲) می‌پردازیم. در نهایت تلاش می‌شود طی یک جمع‌بندی، راهکارهایی برای تحول در «آموزش معماری» با تأکید بر «اصلاح برنامه و سرفصل دروس» پیشنهاد گردد. دامنه و محدوده تخصصی تحقیق، «برنامه و سرفصل دروس رشته معماری» در مقطع کارشناسی است که بعنوان سند مبنای وزارت «عتف» در دانشکده‌های معماری ایفای نقش می‌کند. چراکه مهمترین و معتبرترین سندی که در مقیاس ملی، پایه و اساس شکل‌گیری «آموزش معماری» و «محتوا و روش تدریس» در تمامی دانشکده‌های معماری می‌باشد، «برنامه و سرفصل دروس» است که طبق قانون باید هر پنج سال توسط وزارت عتف بازنگری و بروزرسانی شده و به تصویب برسد. اکنون باتوجه به اینکه زمان برنامه و سرفصل مصوب ۱۳۹۲ منقضی شده، فرصت خویشت که یکبار از این منظر به این سند نگریسته شود و تحولات اساسی در آن لحاظ گردد. مطابق مفاد ابلاغی همین برنامه از سال ۹۶ آغاز شده و ۵ سال بعد (یعنی ۱۴۰۱) باید بازنگری و بروزرسانی شود:

۱- این برنامه درسی از شروع سال تحصیلی ۱۳۹۶-۱۳۹۷ به مدت ۵ سال قابل اجراست و پس از آن نیازمند بازنگری می‌باشد.

شکل ۱. برشی از متن برنامه و سرفصل دروس رشته معماری (مقطع کارشناسی) که بیانگر تاریخ انقضای آن می‌باشد.

۱. مقاله‌ای با عنوان «چهل گام تا تدوین «مکتب معماری اسلامی» - (در جستجوی الگویی برای بهره‌مندی جامع از آموزه‌های «حکمت اسلامی» در «معماری» که در نشریه «پژوهشهای معماری اسلامی» چاپ شده است. نشریات علمی دانشگاه جامع امام حسین (علیه السلام)

مبانی پایه و پیش فرض‌ها

یکی از وظایف حاکمیت، فراهم کردن مکان مناسب برای «حیات طیبه» جامعه است. معنای طیب، لذت جسمی و رشد روحی توأمان است که باید مولفه‌های موثر بر شکل‌گیری مکان زندگی (معماری و شهر) در جهت فراهم آوردن زمینه برای همین «حیات طیبه» بازاندیشی و اصلاح شوند. رهبری حکیم در این باره چنین فرموده اند:

در بعثت همه‌ی پیامبران اهدافی وجود داشته است -اهداف الهی- که طبعاً هدف خود پیغمبر هم، به تبع تبعیت از پروردگار، همان هدف خواهد بود. پس بعثت‌ها هدف‌های بزرگی دارند که رأس همه‌ی این هدف‌ها عبارت است از توحید؛ توحید، هدف بزرگ بعثت است: وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنِ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ؛ (۲) توحید خالص، توحید محض؛ ... این توحید، اولین هدف بعثت پیامبران است. ... توحید به یک معنای مهمی است که به معنای حاکمیت الهی است؛ توحید به معنای حاکمیت مطلق پروردگار بر عالم تشریع و عالم تکوین -هر دو- است که بایستی امر الهی نافذ دانسته بشود؛ هم در عالم تکوین -در همه‌ی حوادث وجود، «لا حول و لا قوة الا بالله»- و هم در عالم تشریع، همه‌ی این حوادث و همه‌ی حالات ناشی از قدرت واحد پروردگار است. خب این، هدف اصلی است. ... هدف‌های دیگری هم وجود دارد: تزکیه‌ی بشر، یعنی پالایش روحی انسان‌ها از آلودگی‌ها و از پیرایه‌های پست‌کننده و انحطاط‌آور؛ تعلیم انسان‌ها و مقام علمی انسان‌ها را بالا بردن. استقرار عدالت، که جامعه‌ی بشری با عدالت اداره بشود: لَيَقُومَنَّ النَّاسُ بِالْقِسْطِ؛ (۴) ایجاد حیات طیبه: فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاتًا طَيِّبَةً؛ (۵) این حیات طیبه یعنی چه؟ حیات طیبه به معنای رشد و شکوفایی عقل بشر و علم بشر از سویی و آرامش روحی بشر، آسایش مادی بشر، امنیت محیط زندگی بشر و رفاه بشر و شادکامی بشر و بالاتر از همه‌ی اینها تکامل معنوی و عروج روحی انسان است؛ حیات طیبه یعنی این‌ها. این‌ها اهداف بعثت پیامبران است. البته در اینجا مورد بحث غالباً پیامبران بزرگ الهی هستند، [لکن] پیامبران دیگری هم بودند که به معنای مبلّغ این حقایق به نقاط مختلف عالم گسیل می‌شدند. (بیانات در سخنرانی تلویزیونی به مناسبت عید مبعث - ۲۱ اسفند ۱۳۹۹) ... این حقایق به نحوی است که اگر احاد بشر و جوامع گوناگون بشری به این حقایق ایمان بیاورند و عملاً ملتزم بشوند، حیات طیبه به اینها خواهد رسید. حیات طیبه یعنی چه؟ یعنی زندگی شیرین و پُر فایده و مطلوب، حیات پاکیزه؛ پاکیزه بودنش به این است که مطلوب

باشد، شیرین باشد، انسان را در صراط کمال کمک کند به حرکت و برخوردار از همه‌ی زیبایی‌ها و نیکویی‌ها باشد، هم در دنیا و هم در آخرت. این حیات طیبه است. اگر دل‌ها به این معارف، به این حقایق آشنا بشوند، به آن بگروند و بر لوازم آن پایبند باشند، حیات طیبه قطعاً در انتظار آنها است. (سخنرانی نوروزی خطاب به ملت ایران - ۳ فروردین ۱۴۰۰)

یکی از عوامل مؤثر بر رشد انسان (به سمت حیات طیبه) مکان زندگی مناسب است. از منظر اندیشمندان اسلامی، سه عامل «فطرت، وراثت و محیط» در کنار «اراده انسان و ربوبیت پروردگار» عوامل پنجگانه مؤثر بر تربیت و رشد آدمی هستند. بر این مبنا، یکی از وظایف حاکمیت، تأمین «مکان» مناسب می‌باشد که متولی مستقیم آن معماران و شهرسازان هستند. اگر هنوز معماری و شهر ما، مکان زیست ما، مطلوب نیست، هماهنگ با آرمان‌ها و شعارهای انقلابان نیست، پس از تشخیص درد، در جستجوی علت درد، می‌توان بخشی از علت را در «معماران و شهرسازان» جستجو کرد. لازمه شکل‌گیری معماری شایسته، شناسایی عوامل مؤثر بر تشکیل و تغییر معماری و تحول در آنها با یک نگرش سامانه‌ای (سیستمی) است. در تحقیقات دیگر نگارنده این عوامل شامل ۸ بخش احصاء شده‌اند. این هشت بخش در یک نظام عرضه-تقاضا شامل هفت مؤلفه «آموزش، پژوهش، رسانه، قوانین، مدیریت‌ها، صنایع ساختمان و فرآیند طراحی و ساخت» بعنوان نظام عرضه و هشتمین مؤلفه یعنی «جامعه» بعنوان منظومه تقاضا قابل دسته‌بندی هستند که حاکمیت باید برای همه آنها یک برنامه جامع و منسجم داشته باشد. این برنامه باید در راستای آرمان‌های انقلاب باشد و اکنون در آستانه گام دوم انقلاب، بازنگری آن می‌تواند راه‌گشای بهبود مسیر در گام بعدی باشد. در این میان یکی از تحولات لازم، تحول در آموزش معماری و تربیت معمارانی در تراز شایسته اهداف نظام اسلامی است که بتوانند مکانی شایسته «حیات طیبه» طراحی کنند و بسازند. در فرهنگ قرآنی سرنخ‌هایی برای چنین مکانی تحت عنوان «بلد طیب و مساکن طیب» مطرح شده که کشف ویژگی‌های آن، نیازمند تدبّر عمیق می‌باشد. به نظر می‌رسد انقلابی که در مقیاس اجتماعی رُخ داد هنوز بطور عمیق در نظام آموزش معماری ما اثرگذار نبوده و امروز در آستانه گام دوم انقلاب، نیازمند تحولی عمیق‌تر در این حوزه هستیم. از آنجا که مبنا و پایه آموزش آکادمیک کنونی، برنامه و سرفصل مصوب وزارت عتف است، پس یکی از مهم‌ترین راهکارهای تحول در نظام آموزش معماری، تحول در برنامه و سرفصل خواهد بود. لازمه این

تحول، تعریف روشنی از هدف دوره آموزشی است. اگر تأمین مکان زندگی شایسته را بعنوان یک واجب کفایی، مسئولیت یک معمار مسلمان بدانیم، آنگاه هدف دانشکده‌های معماری باید تربیت افرادی باشد که با چنین نیتی وارد دوره بشوند و دانش و مهارت لازم برای طراحی و ساخت مکان شایسته کسب و کشف کنند. پس لازمه هرگونه بازنگری در دوره آموزشی، بازاندیشی در تبیین هدف و تعریف محصول این دوره است. در این نوشتار ضمن ارائه تعریفی از «معماری» پیشنهادی برای اصلاح برنامه و سرفصل دوره آموزشی معماری مطرح می‌گردد که در آن دو رویکرد «اسلامی و ایرانی» لحاظ شده است تا چشم‌اندازی باشد بر مسیر تحول در نظام آموزش معماری و تربیت معماران در تراز جمهوری اسلامی در گام دوم انقلاب، که اکنون در مرحله سوم (دولت اسلامی) هستیم. به قول رهبری فرزانه نظام:

فرآیند تحقق هدف‌های اسلامی، یک فرآیند طولانی و البته دشواری است. به طور نسبی انسان به آن اهداف نزدیک می‌شود؛ اما تحقق آنها، بسیار طولانی است (۲۱ آذر ۱۳۸۰). ... یک زنجیره‌ی منطقی وجود دارد؛ پیش‌ها این را گفتیم، بحث شده. حلقه‌ی اول، انقلاب اسلامی است، بعد تشکیل نظام اسلامی است، بعد تشکیل دولت اسلامی است، بعد تشکیل جامعه‌ی اسلامی است، بعد تشکیل امت اسلامی است؛ این یک زنجیره‌ی مستمری است که به هم مرتبط است.^۱

۱. متن سخنان رهبری فرزانه: یک زنجیره‌ی منطقی وجود دارد؛ پیش‌ها این را گفتیم، بحث شده. حلقه‌ی اول، انقلاب اسلامی است، بعد تشکیل نظام اسلامی است، بعد تشکیل دولت اسلامی است، بعد تشکیل جامعه‌ی اسلامی است، بعد تشکیل امت اسلامی است؛ این یک زنجیره‌ی مستمری است که به هم مرتبط است.

منظور از انقلاب اسلامی - که حلقه‌ی اول است - حرکت انقلابی است؛ و آنگاه به یک معنا انقلاب شامل همه‌ی این مراحل می‌شود. اینجا منظور ما از انقلاب اسلامی، یعنی همان حرکت انقلابی و جنبش انقلابی که نظام مرتجع را، نظام قدیمی را، نظام وابسته و فاسد را سرنگون می‌کند و زمینه را برای ایجاد نظام جدید آماده می‌کند.

حلقه‌ی بعد، نظام اسلامی است. منظور من در اینجا از نظام اسلامی، یعنی آن هویت کلی که تعریف مشخصی دارد، که کشور، ملت و صاحبان انقلاب - که مردم هستند - آن را انتخاب می‌کنند. در مورد ما، مردم ما انتخاب کردند: جمهوری اسلامی. جمهوری اسلامی یعنی نظامی که در آن، مردم‌سالاری از اسلام گرفته شده است و با ارزش‌های اسلامی همراه است. ما از این حلقه هم عبور کردیم. [تجلی یافته در قانون اساسی]

منظور از دولت اسلامی این است که بر اساس آنچه که در دوره‌ی تعیین نظام اسلامی به وجود آمد، یک قانون اساسی درست شد؛ نهادها و بنیان‌های اداره‌ی کشور و مدیریت کشور معین شد. این مجموعه‌ی نهادهای مدیریتی، دولت اسلامی است. در اینجا منظور از دولت، فقط قوه‌ی مجریه نیست؛ یعنی مجموع دستگاه‌های مدیریتی کشور که اداره‌ی یک کشور را برعهده

دارند؛ نظامات گوناگون اداره کننده‌ی کشور.

انقلاب پُرشکوه ملت ایران که بزرگ‌ترین و مردمی‌ترین انقلاب عصر جدید است، تنها انقلابی است که یک چله‌ی پُرافتخار را بدون خیانت به آرمان‌هایش پشت سر نهاده و در برابر همه‌ی وسوسه‌هایی که غیر قابل مقاومت به نظر می‌رسیدند، از کرامت خود و اصالت شعارهایش صیانت کرده و اینک وارد دومین مرحله‌ی «خودسازی و جامعه‌پردازی و تمدن‌سازی» شده است. درودی از اعماق دل بر این ملت؛ بر نسلی که آغاز کرد و ادامه داد و بر نسلی که اینک وارد فرایند بزرگ و جهانی چهل سال دوم می‌شود. (خامنه‌ای، سیدعلی، بیانیه «گام دوم انقلاب» خطاب به ملت ایران، ۱۳۹۷)

شاید بتوان بیانیه گام دوم را در راستای نیل به «الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت» و آنرا نیز در راستای «تمدن نوین اسلامی-ایرانی» دانست.

ما اگر دنبال پیشرفت هستیم و پیشرفت علمی را شرط لازم پیشرفت عمومی کشور می‌دانیم، توجه داشته باشیم که مراد ما از پیشرفت، پیشرفت با الگوی غربی نیست. دستور کار قطعی نظام

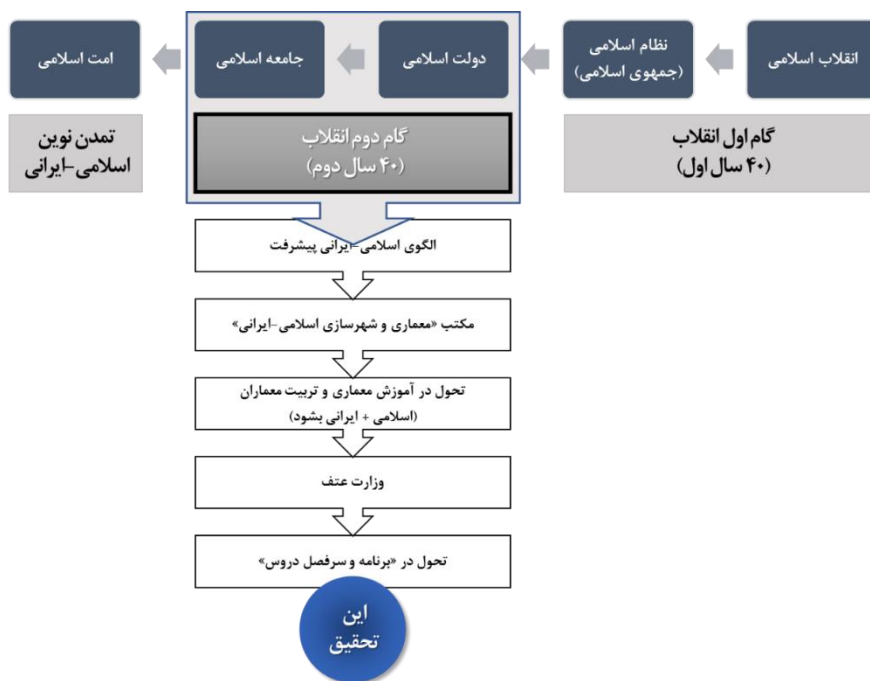
بخش بعد از آن، جامعه‌ی اسلامی است؛ که این، آن بخش بسیار مهم و اساسی است. بعد از آنکه دولت اسلامی تشکیل شد، مسئولیت و تعهد این دولت اسلامی این است که جامعه‌ی اسلامی را تحقق ببخشد. جامعه‌ی اسلامی یعنی چه؟ یعنی جامعه‌ای که در آن، آرمان‌های اسلامی، اهداف اسلامی، آرزوهای بزرگی که اسلام برای بشر ترسیم کرده است، تحقق پیدا کند. جامعه‌ی عادل، برخوردار از عدالت، جامعه‌ی آزاد، جامعه‌ای که مردم در آن، در اداره‌ی کشور، در آینده‌ی خود، در پیشرفت خود دارای نقشند، دارای تأثیرند، جامعه‌ای دارای عزت ملی و استغنا ملی، جامعه‌ای برخوردار از رفاه و مبرای از فقر و گرسنگی، جامعه‌ای دارای پیشرفت‌های همه‌جانبه - پیشرفت علمی، پیشرفت اقتصادی، پیشرفت سیاسی - و بالاخره جامعه‌ای بدون سکون، بدون رکود، بدون توقف و در حال پیشروی دائم؛ این آن جامعه‌ای است که ما دنبالش هستیم. البته این جامعه تحقق پیدا نکرده، ولی ما دنبال این هستیم که این جامعه تحقق پیدا کند. پس این شد هدف اصلی و مهم میانه‌ی ما.

چرا می‌گوئیم میانه؟ به خاطر اینکه این جامعه وقتی تشکیل شد، مهمترین مسئولیت این جامعه این است که انسان‌ها بتوانند در سایه‌سار چنین اجتماعی، چنین حکومتی، چنین فضائی، به کمال معنوی و کمال الهی برسند؛ که: «ما خلقت الجنّ و الانس أَلَّا ليعبدون» (۳) انسانها به عبودیت برسند. «لِيعْبُدُون» را معنا کردند به «لِيعْرِفُون». این معنایش این نیست که «عَبَد» به معنای «عَرَف» است - عبادت به معنای معرفت است - نه؛ بلکه به معنای این است که عبادت بدون معرفت معنی ندارد، امکان ندارد، عبادت نیست. بنابراین جامعه‌ای که به عبودیت خدا می‌رسد، یعنی به معرفت کامل خدا می‌رسد، تخلق به اخلاق الله پیدا می‌کند؛ این، آن نهایت کمال انسانی است. بنابراین هدف نهائی، آن است؛ و هدف قبل از آن، ایجاد جامعه‌ی اسلامی است، که هدف بسیار بزرگ و بسیار والائی است.

خب، وقتی یک چنین جامعه‌ای به وجود آمد، زمینه برای ایجاد امت اسلامی، یعنی گسترش این جامعه هم به وجود خواهد آمد؛ که حالا آن مقوله‌ی دیگری و بحث دیگری است. ... این چیزی که به عنوان هدف ذکر شد، یک امر بسیار والاست. (بیانات در دیدار دانشجویان کرمانشاه - ۲۴ مهر ۱۳۹۰)

جمهوری اسلامی، دنبال کردن الگوی پیشرفت ایرانی - اسلامی است. ما پیشرفت را به شکلی که غرب دنبال کرد و پیش رفت، نمی‌خواهیم؛ پیشرفت غربی هیچ جاذبه‌ای برای انسان آگاه امروز ندارد. ... ما دنبال الگوی مطلوب و آرمانی خودمان هستیم، که یک الگوی اسلامی و ایرانی است؛ از هدایت اسلام سرچشمه می‌گیرد، از نیازها و سنت‌های ایرانی بهره می‌برد؛ یک الگوی مستقل. (بیانات در دیدار اساتید دانشگاه‌ها، ۱۵ مرداد ۱۳۹۲) ... اسلام الگوی مستقل خودش را دارد. الگوی اسلامی برای نظام‌سازی و جامعه‌سازی به طور خلاصه یک الگویی است مرکب از «ایمان و علم و عدل»؛ این سه عنصر اصلی است. ایمان به معنای ایمان توحیدی خالص که این ایمان توحیدی خالص، هم در ساخت شخصیت انسانها تأثیر می‌گذارد، هم در ساخت جامعه و قوای عمومی جامعه اثر می‌گذارد، و هم در عمل شخصی امتداد دارد، هم در شکل اجتماعی. علم با گستره‌ی بی‌انتهای [آن] - هم علم الهی، هم علم طبیعی به آن [معنا] که غربی‌ها هنرشان را در آن نشان دادند، [یعنی] تسخیر طبیعت و تسلط بر طبیعت و مانند اینها - جزو چیزهایی است که در اسلام ممدوح است. بعد انسان عروج میکند از این مرحله به مراحل بالاتر؛ علم به هویت انسان، علم به عالم ملکوت و علوم الهی برتر از این حرف‌ها. این علم شامل همه‌ی این مسائل است. عدل هم به معنای وسیع عدل؛ هم عدالت اقتصادی، هم عدالت قضائی، هم عدالت اجتماعی، [یعنی] عدالت به معنای واقعی کلمه. این، آن چیزی است که امام به ما یاد داده [اند]. (بیانات در ارتباط تصویری با جلسه هیئت دولت، ۲ شهریور ۱۳۹۹) (خامنه‌ای، سید علی، الگوی پیشرفت اسلامی ایرانی، ۱۴۰۰)

حوزه اثربخشی این تحقیق در فرایند پنج مرحله‌ای تحقق اهداف انقلاب در فضایی میان «دولت اسلامی و جامعه اسلامی» قابل تعریف است. یعنی از یکسو باید حاکمیت تدابیری بی‌اندشید و از طرفی هم مطالبه‌گری معماران انقلابی را در پی خود داشته باشد تا ایندو بطور هم افزا زمینه تحول در «آموزش معماری و تربیت معماران» را فراهم کنند، بتوفیق الهی.



شکل ۲. نمودار جایگاه این تحقیق در فرآیند تحقق «تمدن نوین اسلامی-ایرانی» و گام دوم انقلاب

پیشینه تحقیق

در پاسخ به این پرسش که «منظور از اسلامی شدن دانشگاه‌ها چیست؟» اندیشمندان گوناگونی از زوایای متنوع، نظر داده‌اند. در این تحقیق، پاسخ از زبان امامین انقلاب و آیت الله جوادی آملی بیان می‌شود:

دانشگاه در نظر امام (ره) به عنوان یک کارخانه انسان سازی بسیار مهم تلقی شده و [ایشان] معتقد بودند که اگر دانشجویان بتوانند در دانشگاه، علم و ایمان را با یکدیگر همراه سازند، می‌توانند به عنوان یک قشر تحصیل کرده، فرآیند روشنگری اجتماعی را به دست گیرند. به عبارت دیگر یک دانشگاهی از نظر امام (ره) عامل روشنگری اجتماعی است و زمانی می‌تواند موفق باشد که بتواند آگاهی و توانایی‌های خود را در مسیر تحقق ارزش‌های الهی به کار گیرد. (مختار، ۱۳۸۹)

(... مقولاتی چون نقش دانشگاه در پیشرفت کشور، استقلال دانشگاه از اندیشه‌های غربی، نقش

دانشجویان و اساتید و محتوای اسلامی در ایجاد دانشگاه اسلامی از مواردی است که در اندیشه امام خمینی (ره) در تحقق جامعه اسلامی مبتنی بر نقش دانشگاه دارای اهمیت است. (اصغری صالح، ۱۳۹۲) ... دانشگاه باید مرکز درست کردن انسان باشد. چه دانشگاه روحانی، و چه دانشگاه شما. و این یک امری بوده است که انبیا - علیهم السلام - مأمور بر همین امر بوده اند که انسان درست کنند. کتب آسمانی، همه کتب آسمانی، برای انسان ساختن آمده است. ... شما دانشگاهی‌ها کوشش کنید که انسان درست کنید. اگر انسان درست کردید، مملکت خودتان را نجات می‌دهید. اگر انسان متعهد درست کردید، انسان امین، انسان معتقد به یک عالم دیگر، انسان معتقد به خدا، مؤمن به خدا، اگر این انسان در دانشگاه‌های شما و ما تربیت شد، مملکت‌تان را نجات می‌دهد. (بیانات امام خمینی (ره) در تاریخ ۱۶ خرداد ۱۳۵۸) - (کتابخانه، دانشگاه و دانشگاهیان از دیدگاه امام خمینی (ره)، بدون تاریخ)

آیت الله جوادی آملی تأکید دارند که یکی از شروط اسلامی شدن دانشگاه‌ها، تولید دانش اسلامی و مبناقرار دادن آن در آموزش و پژوهش است:

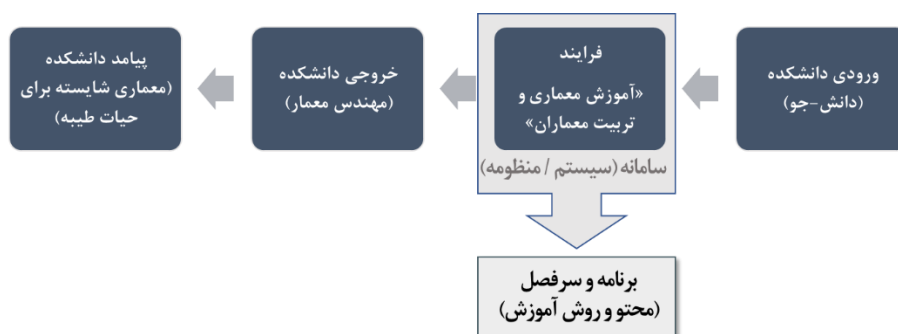
آیت الله جوادی آملی با بیان این نکته که «اساس دانشگاه را دانش به عهده دارد یادآور شدند: اگر دانشگاه بخواهد اسلامی بشود دانش باید اسلامی باشد.» (جوادی آملی، پرسمان دانشگاهیان، ۱۳۹۱) ... ریاست فلسفه الهی در این است که تمام علوم را اسلامی می‌کند. اسلامی شدن دانشگاه به این نیست که ما نمازخانه داشته باشیم این وظیفه همه ماست، عکس امام و رهبری را داشته باشیم و آرم جمهوری اسلامی را داشته باشیم اینها جزء سنن ملی ماست، دانشگاه را دانش اداره می‌کند اگر دانش اسلامی شد دانشگاه اسلامی است و اگر معاذالله از این فیض و فوز محروم ماند، دانشگاه اسلامی نیست. (جوادی آملی، اسلامی شدن دانشگاه‌ها، ۱۴۰۰)

پس لازمه شکل‌گیری معماری «اسلامی-ایرانی» آن است که اولاً «تولید علم» بر مبنای حکمت اسلامی انجام شود و سپس در دانشکده‌های معماری (مدیران، اساتید و دانشجویان) باور قلبی به این علوم و ارزش‌ها ساری و جاری باشد. اکنون بر این مبنای تبیینی از معماری و نسبت آن با «اسلام و ایران» می‌پردازیم.^۱

۱. در تحقیقات آتی، می‌توان اسناد فرادست ملی که پشتیبان این تحقیق محسوب می‌شوند را با دقت بیشتر مطالعه نمود و نتایج جامع‌تری برای تحول در آموزش معماری و تربیت معماران کشف کرد.

ترسیم وضع مطلوب

دو پیش فرض تحقیق آن است که اولاً مأموریت و رسالت ۱ دانشکده های معماری، تربیت معمارانی است که آثار شایسته معماری طراحی کنند و بسازند. ثانیاً یک دانشکده اگر بخواهد کارآمد و اثربخش باشد باید بصورت یک سامانه (سیستم) عمل کند. یعنی تمامی اجزای آن هماهنگ با یکدیگر به سمت هدف، سامان یابند. بنابراین اگر یک بازاندیشی در تعریف «معماری و معمار» داشته باشیم، آنگاه می توان یک بازتعریف از «آموزش معماری و تربیت معماران» داشت و برای دانشکده های معماری در تراز جمهوری اسلامی، طرحی نو درانداخت.



شکل ۳. تبیین دانشکده های معماری به مثابه یک سامانه (نگرش سیستمی)

بر این مبنا، در این نوشتار به موضوع «تعریف معماری» با دریافتی از «حکمت اسلامی» می پردازیم. معماری را در یک تعریف پایه می توان «ساماندهی مکان زندگی انسان در بستر محیط» دانست. (نقرهکار، ۱۴۰۰) در این تعریف چهار رکن اصلی برای شکل گیری معماری وجود دارد که باید در دوره آموزشی معماری، در دو سطح «پایه و تخصصی» به آنها پرداخته شود. منظور از آموزش «پایه» آن است که این چهار رکن را بطور عام، بشناسد و منظور از اختصاصی آن است که همین چهار رکن را در بوم و بستر خاص «ایران» بشناسد. منظور از پرداختن به این چهار رکن، صرفاً انتقال دانش نیست. بلکه تمرین و کسب مهارت در طراحی (و ساخت) نیز در هرکی از آنها باید مورد توجه باشد. بنابراین ترکیب هوشمندانه و حکیمانه دروس «نظری و عملی» در برنامه

۱. در برنامه ریزی و مدیریت راهبردی، معادل واژه «Mission» که مبنای تمامی تصمیمات و اولویت بندی های هر سازمان موفق می باشد.

درسی، می تواند زمینه مناسبی برای این فراگیری معمارانه باشد. روش های کنونی که دروس بصورت تفکیکی ارائه می شوند معمولاً نتیجه مطلوبی ندارد.

انسان شناسی، به معنای شناخت انسان و نیازهای او، رشد او، نقش محیط و مکان زندگی در شکلگیری شخصیت آدمی و ... که تأمین نیازهای کالبدی-فضایی انسان هدف اصلی رشته معماری و وظیفه اصلی معماران در جامعه می باشد. بنابراین یک سرفصل واجب در آموزش معماری است. این شناخت در مقیاس فردی ذیل علوم روان شناسی (علم النفس) و در مقیاس اجتماعی ذیل علوم جامعه شناسی تعریف می شود. همچنین شایسته است که دانشجوی معماری که قصد دارد در کشور ایران و برای مردم ایران طراحی کند و بسازد، بطور اختصاصی با فرهنگ مردم این سرزمین آشنا باشد، با تاریخ ایران، ادبیات عرفانی، سبک زندگی اهالی بومهای متنوع ایرانی (که قرار است ظرف زندگی برای آنان طراحی کند) که ذیل دانش «مردم شناسی» قابل تعریف است. اگر دانشکده معماری در آلمان بود، طبعاً باید دانشجوی معماری آن دانشکده با فرهنگ مردم آلمان آشنا می شد. بر اساس چنین نگرشی، تفکر کل گرایی (گلوبالیسم) که ریشه های امپریالیستی-استکباری-سرمایه داری دارد، مورد نقد قرار می گیرد و منطقه گرایی و توجه به ظرفیت های بومی هم سرزمین، مبنای آموزش معماری و تربیت معماران قرار خواهد گرفت.

مکان شناسی، یعنی شناخت مؤلفه های تشکیل دهنده مکان، از فضای درون تا فرم بیرون تا محوطه پیرامون یک بنا، از انواع مصالح ساختمانی تا هندسه ها و الگوهای سازماندهی بعنوان دستور زبان معماری، که موضوع اصلی حرفه معماران است. در مورد دانشجویان ایرانی، شناخت معماری ایرانی، سیر تحول و تکوین آن، گونه شناسی (خانه ها، مساجد، مدارس، بازار و میدان و ...)، کشف و کاربرد اصول و الگوهای معماری ایرانی، سیری از معماری سنتی ایران تا سنت معماری ایرانی در بوم های متنوع این سرزمین. این آگاهی، به مثابه شناخت «زبان معماری» بومهای ایران است، تا معمار بتواند برای مردم سرزمینش، با زبانی آشنا طراحی کند و بسازد. طبعاً اگر دانشکده معماری در کشور آلمان باشد باید با علاوه بر شناخت عمومی از مؤلفه های تشکیل دهنده مکان، مؤلفه های خاص معماری آلمان را بشناسد؛ چراکه قرار است برای مردم همان بوم خدمت کند.

محیط شناسی، شناخت مؤلفه‌های تشکیل دهنده محیط و نحوه اثرگذاری و اثرپذیری آنها از معماری، نحوه مواجهه مکان با محیط (اثر معماری با محیط پیرامونش)، و ... این موارد بعنوان دانش پایه معماران در طراحی و ساخت، اهمیت دارد. چراکه معماری در خلاء ایجاد نمی‌شود. بلکه در یک محیط و زمینه موجود، ساخته می‌شود که هم بر محیط تأثیرگذار و هم تأثیرپذیر از آن است. پس از آنجاکه در تصمیمات معمارانه نقش کلیدی دارد، شناخت آن ضروری است. در تربیت معماران ایرانی، شناخت بوم‌های متنوع ایران، مؤلفه‌های تشکیل دهنده شخصیت و ظرفیت هر بوم، شامل مؤلفه‌های «انسانی، طبیعی، فناوری و معماری و شهرسازی» در هر بوم، شناخت جغرافیای ایران، گیاه شناسی و جانورشناسی در بوم‌های متنوع ایران و تأثیری که بر تصمیمات معمارانه می‌گذارد.

ساماندهی که منظور فرآیندهای «مطالعات، طراحی، نظارت و اجرای» معماری است و مهارت اصلی معماران همین کار است. در این مورد هم علاوه بر شناخت و تمرین اصول و روش‌های هریک از این چهار مرحله، خوبست که دانشجوی معماری با سنت معماری ایرانی - و حتی دقیق‌تر، در هریک از بوم‌های ایران - آشنا بشود. مثلاً اصول معماری ایرانی در طراحی یا روش‌های معماران ایرانی در فناوری‌های بومی در مناطق چهارگانه اقلیمی ایران (سرد و خشک غرب، گرم و خشک شرق، گرم و مرطوب خلیجی جنوب و معتدل و مرطوب خزری شمال) که هر کدام، اصول و الگوهای خاصی در ساماندهی مکان زندگی خود دارند و معمار ایرانی باید با آنها آشنا باشد و آنها را تداوم و تکامل بدهد.

پیش فرض محقق آن است که عمل معمار و اثر معماری وی، بمثابة میوه و ثمره اندیشه اوست. شبیه یک درخت که میوه خوب آن اولاً وابسته به استعداد دانه آن است و ثانیاً وابسته به فرآیند باغبانی آن که در «آموزش معماری» منظور از «دانه» استعدادهای معمارانه‌ای است که دانشجو باید مایه از آن داشته باشد و باغبانی مثالی از دوره «آموزش معماری و تربیت معماران» در دانشکده‌های معماری است. بنابراین هریک از این چهار رکن می‌تواند بر مبنای یک اندیشه و مکتب فکری تعریف و تبیین شود و بالطبع، متناسب با همان مکتب نیز خروجی معماری خواهد داشت. بر اساس مقدمات پیشین، مبنای نظری پایه برای تبیین معماری، نگرش «اسلامی» و بستر آموزش نیز، بوم «ایرانی» است. بنابراین لازم است تعریف معماری و مؤلفه‌های چهارگانه آن یکبار مبتنی بر

آموزه‌های اسلام و متناسب با شرایط ایران، بازنگری و علوم متناسب با آن بازتولید گردد. جدول زیر پیشنهادی برای طراحی سرفصل دروس بر اساس دو ویژگی «اسلامی و ایرانی» می‌باشد:

جدول ۱. پیشنهاد سرفصل دروس رشته معماری در چهار بخش اصلی

ردیف	ارکان شکلگیری معماری	شرح دقیقتر ارکان چهارگانه معماری (۴) زیرعامل	نگرش اسلامی (مبتنی بر حکمت اسلامی)	گزینه‌های ایرانی (متناسب با بوم ایران)
۱	ساماندهی	فرایند ۴ مرحله‌ای «مطالعات + طراحی + نظارت + اجرا و ساخت»	فرآیند ساماندهی مطابق با حدود و حقوق الهی در حکمت اسلامی - معنای قرآنی عمران و آبادانی (شکوفافگری ظرفیتهای بالقوه)	سنت معماری ایرانی در ساماندهی (طراحی و ساخت) - اصول و روشهای معماران ایرانی در طول تاریخ و عرض جغرافیا - هم مشترکات در کل ایران، هم اختصاصی در بومهای متنوع ایران
۲	مکان	بنا یا اثر معماری با ۴ مؤلفه «فضای درون + فرم بیرون + محوطه پیرامون + مکانیابی و تعامل با بافت پیرامون»	مؤلفه‌های تشکیل دهنده مکان و تأثیر آن بر زندگی و رشد انسان - مراتب وجود و معماری بشمیه «جماد» و نیاز به دعوت از مراتب بالاتر	آشنایی با معماری ایرانی - از معماری سنتی تا سنت معماری ایرانی - گونه شناسی معماری ایران (مسجد، مدرسه، خانه و ... ایرانی)
۳	انسان	هدف معماری: نیازهای مراتب وجودی انسان در جهت رشد او	انسان شناسی اسلامی و تأثیر آن بر تصمیمات معماری (مراتب چهارگانه نفس، روابط چهارگانه انسان)	مردم شناسی بومهای متنوع ایران و معماری متناسب با فرهنگ و سبک زندگی هر بوم

ردیف	ارکان شکلگیری معماری	شرح دقیقتر ارکان چهارگانه معماری (۴) زیرعامل)	نگرش اسلامی (مبتنی بر حکمت اسلامی)	گزینش ایرانی (متناسب با بوم ایران)
۴	محیط	بستر شکل‌گیری معماری که تأثیرگذار و تأثیرپذیر از آن است، شامل چهار عامل «انسانی-فرهنگی + طبیعی-اقلیمی + فناوری‌های بومی + شهرسازی و معماری بومی»	اسلام و محیط زیست - حدود و حقوق الهی درباره مواجهه با محیط	بوم‌های متنوع ایران که بستر طراحی و ساخت آثار معماری هستند + فعالیت‌های جهادی، با اهداف محرومیت زدایی
	جمع بندی	تدریس و راهنمایی و راهبری استاد × (تحقیق + تمرین + حضور دانشجو در بناها)	آشنایی دانشجوی معماری با شاخصه‌های معماری «اسلامی-ایرانی» شامل «دانش نظری + مهارت عملی» برای طراحی و ساخت (مبتنی بر اسلام + متناسب با ایران)	

به عبارتی، تک تک این مؤلفه‌ها و رابطه آنها در قالب یک منظومه منسجم نری (مبتنی بر حکمت اسلامی و متناسب با بوم ایرانی) باید حول محور «حیات طیب» و شکوفاشدن فطرت الهی انسان، تجلی صفات حُسن الهی در وجود او و تخلُّق به اخلاق الهی است، ساماندهی شوند. معمار باید تمامی ظرفیت‌های «مکان» را شناسایی و شکوفا کند تا زمینه ساز شکوفاشدن بهره برداران بشود. مکان، باید امکان‌های متنوعی برای نیل به این هدف فراهم نماید.

تبیین وضع موجود: نقد برنامه و سرفصل کنونی رشته معماری

در این بخش ابتدا یک تحلیل آماری از برنامه و سرفصل دروس ارائه می‌شود و سپس به «نقد» آن بر اساس معیارهای وضع مطلوب (فصل قبل) می‌پردازیم. بطور خلاصه: در دوره کارشناسی معماری، دانشجو در طی ۴٫۵ سال تعداد ۴۵ درس و ۱۲۲ واحد درسی معادل ۳٫۰۵۶ ساعت (نظری

و عملی) طی می‌کند. ۱. در برنامه و سرفصل، سه گروه دروس تعریف شده: «پایه + اصلی + اختیاری» که جمعا ۴۵ درس، ۱۲۲ واحد و حدود ۳,۰۰۰ ساعت می‌شوند. یعنی معادل ۳۸۰ روز خالص کاری ۲ و ۷۶ هفته خالص کاری که ۱,۵ سال خالص می‌شود. یعنی دانشجو اگر کارمند یک اداره فرض شود، طی یک سال و نیم، باید یک «کارشناس معماری» بشود. نسبت وزنی دروس از سه جنبه «تعداد درس، تعداد واحد و تعداد ساعت درسی» تقریباً ۲۵٪: دروس پایه، ۷۰٪: دروس اصلی، ۵٪: اختیاری ۳ می‌باشد. نمودار و جدول زیر بیانگر وزن هریک از دروس سه گانه در هر بخش می‌باشد:

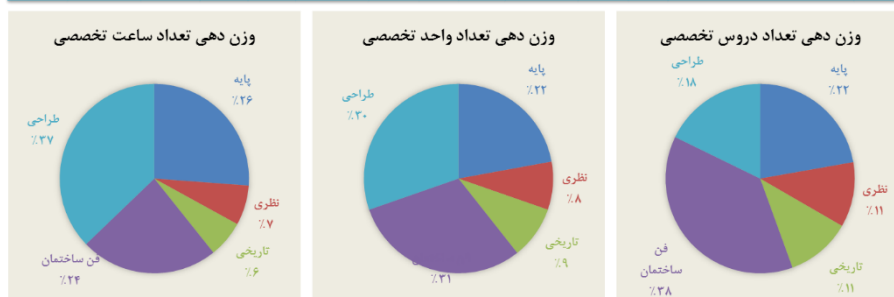
ردیف	جنس درس	تعداد درس	تعداد واحد	تعداد ساعت
1	پایه	10	27	816
2	اصلی	31	87	2,096
3	اختیاری	4	8	144
4	جمع	45	122	3,056
5	عمومی	10	21	336
6	جمع کل تخصصی و عمومی	55	143	3,392

شکل ۴. تحلیل آماری دروس رشته معماری در مقطع کارشناسی

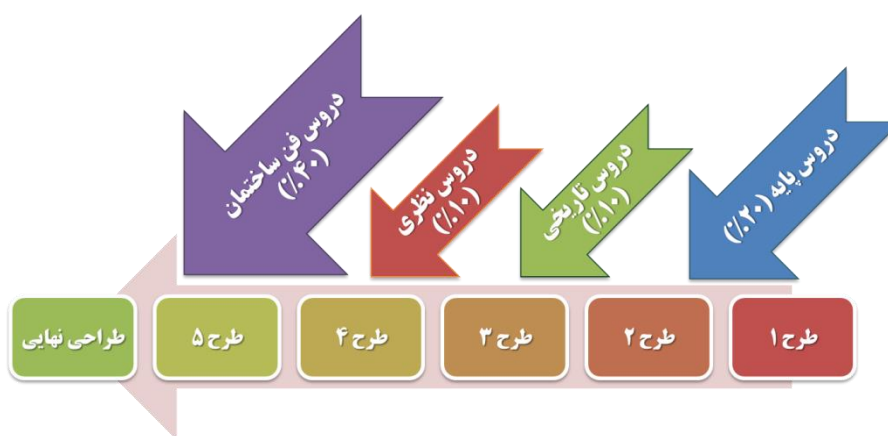
مجموع ۳ گروه درس «پایه، اصلی و اختیاری» را می‌توان به پنج دسته تخصصی تر تقسیم کرد: ۴: دروس «پایه + نظری + تاریخی + فن ساختمان + طراحی» که تحلیل تعداد این دروس بیانگر آن است که در مجموع نسبت وزن دروس «فن ساختمان و طراحی» بیش از سه دسته دیگر است و از آنجا که دروس «طراحی» به منزله محور و ستون فقرات دوره بوده و بقیه دروس، مقدمه و مکمل آن هستند، میتوان نتیجه گرفت که شخصیت غالب کل دوره کارشناسی، «طراحی با تأکید بر فن ساختمان» می‌باشد:

۱. در این محاسبات، مطابق قاعده همین سرفصل، هر واحد نظری ۱۶ ساعت و هر واحد عملی ۳۲ ساعت محاسبه شده است.
۲. هر روز کاری ۸ ساعت در نظر گرفته شده است. هر هفته کاری، ۵ روز خالص در نظر گرفته شده (پنجشنبه و جمعه تعطیل فرض شده) - هر سال ۵۲ هفته
۳. برای محاسبه تعداد ساعت دروس اختیاری، ۸ واحد ضربدر ۱۶ ساعت شد، بعلاوه یک ۱۶ ساعت بابت برخی دروس اختیاری که عملی هستند و تعداد ساعتشان بیشتر است. یعنی $16 \times 8 = 128 + 16 = 144$ ساعت
۴. در دوره‌های پیشین سرفصل (مثلا زمانیکه ارشد پیوسته بود) این دسته بندی رسماً در برنامه مطرح شده بود.

ردیف	دسته بندی تخصصی تر	تعداد درس در ۳ گروه اصلی				تعداد واحد در ۳ گروه اصلی				تعداد ساعت در ۳ گروه اصلی			
		پایه	اصلی	اختیاری	جمع	پایه	اصلی	اختیاری	جمع	پایه	اصلی	اختیاری	جمع
1	پایه	9	0	1	10	25	0	2	27	768	0	32	800
2	نظری	1	3	1	5	2	6	2	10	48	128	32	208
3	تاریخی	0	5	0	5	0	11	0	11	0	192	0	192
4	فن ساختمان	0	15	2	17	0	33	4	37	0	640	80	720
5	طراحی	0	8	0	8	0	37	0	37	0	1136	0	1136
	جمع	10	31	4	45	27	87	8	122	816	2,096	144	3,056



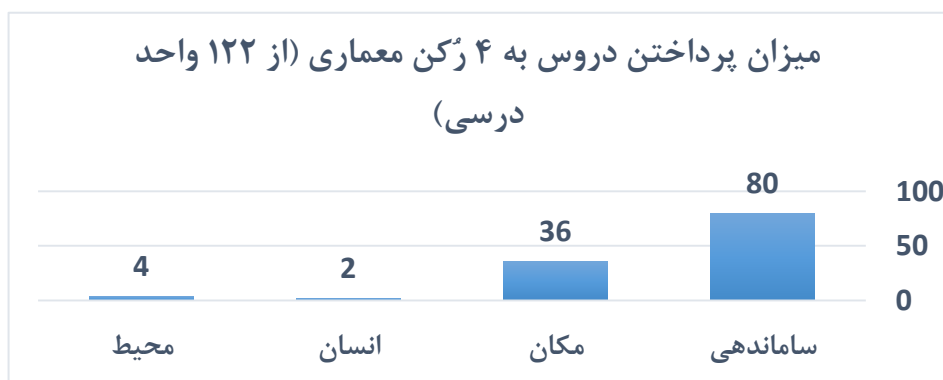
شکل ۵. تحلیل محتوایی دروس رشته معماری در مقطع کارشناسی



شکل ۶. نمودار منظومه روابط دروس رشته معماری (مقطع کارشناسی)

نقد و ارزیابی دروس بر اساس چهار مؤلفه اصلی معماری، بیانگر آن است که برنامه و سرفصل کنونی، بیشتر به دو مؤلفه «ساماندهی و مکان» می‌پردازد و کمتر به مؤلفه‌های «انسان و محیط» یعنی توجه به «روش» بیش از تمرکز روی «هدف و زمینه» شکل‌گیری معماری است. یعنی توجه به علل

«صوری و ادی» و غفلت از علل «غایی و فاعلی» که درست همان نقطه ایراد علوم سکولار غربی است (از منظر آیت الله جوادی آملی). شاید یکی از علل اینکه معماری کنونی ما کمتر از هویت «اسلامی-ایرانی» و حتی بومی هر شهر فاصله گرفته، همین بی توجهی به این مقولات باشد.



شکل ۷. نمودار نقد وزن دروس کنونی برنامه به نسبت وضعیت مطلوب (۴ رکن معماری)

نتیجه گیری

پرسش آغازین تحقیق این بود که «آنچه یک مهندس معمار در تراز انقلاب اسلامی باید درباره معماری بداند و بتواند، چیست؟» اکنون بر مبنای مطالب پیشگفته، در پاسخ به آن می توان گفت ... یک مهندس معمار در تراز انقلاب اسلامی باید:

«انسان و محیط» + «رابطه میان ایندو» و نسبت آنها با «معماری» را مبتنی بر حکمت اسلامی بشناسد

ویژگی های «ایران عزیز» را بطور جامع بشناسد + نسبت این بوم با معماری را نیز بداند و بتواند بر اساس شناخت فوق، مکانی برای زندگی و رشد انسان طراحی کند و بسازد، بگونه ای که آن مکان، علاوه بر تأمین نیازهای بهره بردار، زمینه حیات طیبه وی را نیز فراهم نماید.

خود این مسیر «معماری برون» که ساختن مکان برای دیگران است، مقدمه ای است برای «معماری درون» و خودسازی، یعنی تجلی صفات حُسن فطرت الهی در وجود معمار؛ حکیم شدن، مدبّر شدن، خلاق و بدیع شدن و ... به شرط آنکه در «صراط مستقیم» عبودیت ربّ باشد.

وجه تمایز یافته‌های این تحقیق نسبت به تحقیقات دیگری که در مورد آموزش معماری می‌شود، آن است که نگرشی «جامع» بر رشد همه جانبه دانشجوی معماری را پیشنهاد می‌دهد و نگرش اسلامی-توحیدی را همچون روح جاری در تمامی وجوه معماری و آموزش آن، تبیین می‌کند. همچنین لازمه آموزش جامع را همراهی آن با تربیت دانشجو می‌داند.

نتیجه‌گیری و کاربرد: راهکاری برای تحول در برنامه و سرفصل رشته معماری

لازمه تحقق این هدف آن است که: برنامه و سرفصل «آموزش معماری» تحول اساسی پیدا کند. بگونه‌ای که هر سه حوزه «ساختار و سرفصل‌های برنامه، محتوای دروس و روش تدریس» یکبار بر اساس «حکمت اسلامی و متناسب با بوم ایرانی» بازنگری و بازنگاری گردد. یافته‌های تحقیق، بیانگر آن است که مسیر تحول در «آموزش معماری و تربیت معماران» از رهگذر تحول در «برنامه و سرفصل دروس» شامل گام‌های زیر است:

ابتدا باید هدف دوره (آموزش معماری و تربیت معماران) یک بازتعریف شود، بگونه‌ای که مبتنی بر حکمت اسلامی و متناسب با بوم ایرانی باشد.

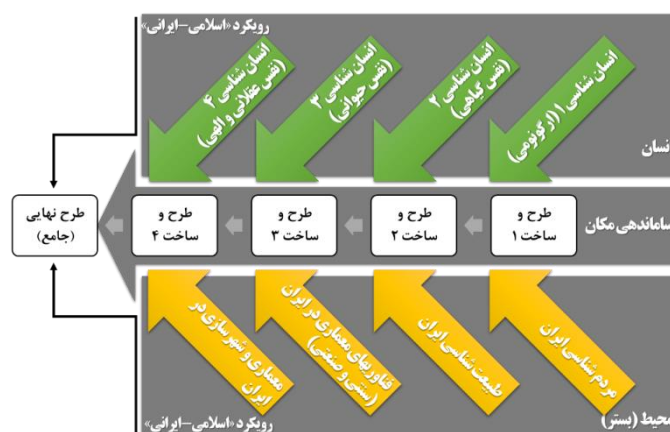
سپس برنامه و سرفصل دروس بصورت یک سامانه (سیستم) بازنگری شود تا تمامی دروس در راستای هدف دوره، بازتنظیم شوند (هم محتوا، هم روش تدریس، هم رابطه دروس).

در بازتنظیم سرفصل دروس، توجه متعادلی به هر چهار رکن معماری بشود؛ یعنی «انسان، محیط، مکان و ساماندهی». اکنون متعادل نیست!

سپس محتوای هر درس (شرح درس) با دو رویکرد «مبتنی بر حکمت اسلامی + متناسب با بوم ایران» بازنگری گردد.

ترکیب دروس «نظری و عملی» بگونه‌ای باشد که دانشجو، دانش‌های خود را در خلال تمرین‌های عملی، تجربه کند تا بتدریج «نظر و عمل» او بطور متعادل رشد کند و در آثار وی اثرگذار باشد.

ساختار پیشنهادی، با الهام از مدل سازی «استخوان ماهی»^۱ شامل یک بخش محوری است که دروس «طراحی و ساخت» هستند که هریک طی یکسال ارائه می شوند تا فرصت هضم و جذب دانشها و به کار بردن آنها در طراحی فراهم شود. در این دروس، دانشجو در دو مقوله «ساماندهی و مکان» کسب دانش و مهارت می کند. بموازات این تمرین های عملی، دروس نظری شامل شناخت «انسان و محیط» نیز ارائه می شود که دانشجو باید نتایج آنها را در دروس عملی به کار ببرد. مثلاً اگر در انسان شناسی ۱ دانشجو با «ارگونومی و کالبد انسان» آشنا شد، باید در درس «طرح و ساخت ۱» این دانایی را به کار ببرد تا تبدیل به مهارت و توانایی در وی بشود. روش آموزشی «یادگیری همراه با عمل»^۲ می باشد. بر اساس این ساختار، هر چهار رکن معماری بطور متعادل در برنامه و سرفصل دروس پیشبینی شده و زمینه رشد متعادل دانشجو در هر سه ساحت «حکمت، نیت و مهارت» فراهم می گردد.



شکل ۸. نمودار پیشنهادی برای سرفصل رشته معماری و نحوه ترکیب آنها در قالب یک

سامانه (سیستم/منظومه) هدفمند

۱. نمودار «استخوان ماهی» ابزاری برای ترسیم گرافیکی انواع علت های کوچک و بزرگی است که دست به دست یکدیگر داده و یک مشکل یا مسئله را به وجود می آورند (یا آن را تشدید می کنند). این نمودار معمولاً به صورت یک خط افقی با تعدادی خط شیب دار کوچک تر ترسیم می شود به خاطر شکلش، به نمودار استخوان ماهی یا Fishbone Diagram مشهور است. (برگرفته از سایت متمدن به آدرس <https://motamem.org>)

۲. واژه انگلیسی معروف عبارت است از: «learning by doing»

نکته مهم در این مسیر آن است که «حکمت اسلامی» باید بعنوان «روح جاری» در تمامی این فرآیند حضور داشته باشد (هم در ساختار روابط دروس، هم در شرح درس تک تک دروس). منظور از «حکمت اسلامی» دانش فراترینی برخاسته از منبع وحی است که بعنوان مکمل دانش بشری برای درک «حقیقت، واقعیت و غایت» عالم و آدم ایفای نقش می کند و شامل سه بخش «حکمت نظری، عملی و مضاف» می گردد. این نگرش با نگاه سکولار تفاوت دارد. در نگاه سکولار، تصور آن است که با اضافه کردن فقط یک درس دو واحدی به عنوان «حکمت اسلامی» مسأله «اسلامی شدن معماری» حل خواهد شد، که تجربه چهل سال گذشته (در تدوین برنامه و سرفصل رشته با این روش) نشان داد که با این روش جزیره ای، نیل به هدف میسر نشد و متأسفانه در دوره اخیر، نگارندگان برنامه، اصل این درس را هم حذف کردند! اما در نگرش پیشنهادی (دین مدار، در مقابل سکولار) اساساً منبع شناخت انسان، نیازهای او و غایت وی، همچنین شناخت محیط و ظرفیتهای آن، «عقل مبتنی بر وحی» و بلکه «عقل متعبد به وحی» است. بنابراین بطور جامع و همه جانبه، در تمام فرایند «آموزش معماری و تربیت معماران» اثرگذار است. در چنین نگرشی، دانشجو یک «عبد معمار» تربیت می شود که در فرایند «طراحی و ساخت» خود، مؤدب به ادب الهی است. یعنی حدود و حقوق الهی را در تمامی فرآیندهای «مطالعات، طراحی و ساخت» معماری رعایت می کند.

چشم انداز آتی دانشکده های معماری

شاید بجای دانش - کده معماری واژه «رشد کده» یا «شکوفاکده» ی معماران اسم جامع تری برای مکان های «آموزش معماری و تربیت معماران» در آینده باشد. در چنین دوره آرمانی - که لزوماً مکان آموزش آن فقط کلاس و آتلیه دانشکده هم نیست، بلکه کارگاه های ساختمانی، بناهای ارزشمند سنتی و ... هم هست - شرایط رشد هر چهار ساحت طالب رشد (رشدجو، بجای دانش - جو که فقط یک ساحت رشد را توجه دارد) یعنی رشد علمی و فنی، رشد اخلاقی و سلامت روحی، شکوفایی صفات خُن فطرت الهی وی و حتی سلامت جسمی فراهم است. همان ساحتی که رهبری حکیم انقلاب بعنوان سه وظیفه جوانان خطاب به آنان فرمودند «تحصیل، تهذیب نفس و ورزش» و همانی که در معماری می توان از آنها به چهار ساحت «فطرت، حکمت،

نیت و مهارت» معمارانه تعبیر کرد. این شرایط مستلزم رشدیافتگی اساتید معماری در چنین تراز است که «ذات نیافته از هستی بخش، کی تواند که شود هستی بخش؟!» و آن نیز مستلزم تربیت اساتیدی در تراز انقلاب اسلامی است. این مهم از طریق برگزاری دوره‌های «رشد افزایی» (بجای دانش افزایی صرف) برای اساتید گرامی فراهم می گردد. این دوره‌ها در فضای تعاملی و گفت و گو محور می تواند زمینه ساز خوبی برای شکوفایی استعدادهای جوان انقلابی در دانشکده‌های معماری ایران عزیزمان گردد و شکوفه‌های باغ انقلاب اسلامی را -در معماری و شهرسازی- به بار بنشانند، بتوفیق الهی.



شکل ۹. داده نما (اینفوگرافی) ساحت‌های رشد دانشجوی معماری، ثمره و پیامد آن و نقش دانشکده‌های معماری به عنوان باغبان این درخت

فهرست منابع

- اصغری صالح، (۱۳۹۲)، دانشگاه اسلامی یکی از شاخص‌های تمدن‌سازی اسلامی، ضرورت و چگونگی آن در اندیشه امام خمینی (ره). کنگره پیشگامان پیشرفت. مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۴۰۰)، اسلامی شدن دانشگاه‌ها، همایش «آینده فلسفه در ایران». گروه فلسفه دانشگاه شهید مطهری.
- نقره‌کار، سلمان (۱۴۰۰)، چهل گام تا تدوین «مکتب معماری اسلامی» - (در جستجوی الگویی برای بهره‌مندی جامع از آموزه‌های «حکمت اسلامی» در «معماری»). پژوهش‌های معماری اسلامی، ۱۲۳.
- مختار، (۱۳۸۹)، نقش دانشگاه در جامعه از منظر امام خمینی (ره). کنگره ملی بررسی اندیشه‌های فرهنگی اجتماعی حضرت امام خمینی (ره). استان البرز: جهاد دانشگاهی
- جوادی آملی، عبدالله. پرسمان دانشگاهیان. بازیابی از پرسمان دانشگاهیان:
<https://www.porseman.com/!۱۴۹۵۴۳>
- جوادی آملی، عبدالله. انقلاب فرهنگی. بازیابی از پرسمان دانشگاهیان:
<https://b2n.ir/b۴۵۸۱۸>
- خامنه‌ای، سید علی. بیانیه «گام دوم انقلاب» خطاب به ملت ایران. بازیابی از دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای:
<https://khl.ink/f/۴۱۶۷۳>
- خامنه‌ای، سید علی. فیش‌های الگوی پیشرفت اسلامی ایرانی. بازیابی از دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله خامنه‌ای:
<https://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=۱۰۰۱>
- خامنه‌ای، سید علی. فرآیند انقلاب اسلامی. بازیابی از دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای:
<https://farsi.khamenei.ir>
- کتابخانه، دانشگاه و دانشگاهیان از دیدگاه امام خمینی (ره). (بدون تاریخ). بازیابی از پرتال امام خمینی (ره):
<https://b2n.ir/t۱۰۳۱۲>
- مشرق. فرآیند پنجگانه تحقق اهداف انقلاب اسلامی در نگاه مقام معظم رهبری. بازیابی از خبرگزاری مشرق:
<https://b2n.ir/w۳۳۸۳۱>
- نمودار استخوان ماهی. بازیابی از سایت متمدن:
<https://b2n.ir/s۰۹۴۶۹>

